



دانشگاه علوم پزشکی و
خدمات بهداشتی درمانی استان همدان

مرکز بهداشت استان همدان

چکیده کتابهای خود آموز مهارتها و فنون آموزش
ویژه مربیان بهورزی



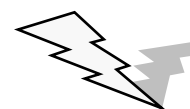
گروه توسعه شبکه و ارتقاء سلامت

زمستان ۱۳۸۸

کتاب ۱ : روانشناسی یادگیری و آموزش

فصل ۱

روانشناسی یادگیری و آموزش



پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

۱. برخی سئوالات اساسی که روانشناسان این شاخه علمی در پی پاسخ آند را ذکر نمایید .
۲. درباره اهمیت و نقش روانشناسی تربیتی به اختصار توضیح دهید .
۳. یادگیری را با ذکر یک مثال توضیح دهید .
۴. آموزش را تعریف کرده و اجزاء آن را بیان نمایید .
۵. رابطه دو مفهوم آموزش و یادگیری را بیان نمایید .
۶. کارآموزی را تعریف کرده و ویژگیهای خاص آن را توضیح دهید .
۷. مشخصات خاص دوره های آموزش بهورزی را بیان نمایید .

روانشناسی یادگیری و آموزش (تربیتی)

انسان همواره با پرسشهای زیادی روبرو است ، از جمله این که رفتار انسان چگونه تغییر می کند ؟ عوامل موثر در تغییر رفتار آدمی کدامند ؟ آموزش چیست ؟ انسان چگونه می آموزد ؟ عوامل موثر در آموزش و یادگیری بهتر چیست ؟ چگونه می توان به صورت گام به گام ، منطقی ، علمی و سازمان یافته برای یادگیری و آموزش فراگیران شرایط مطلوبتری فراهم نمود ؟ مراحل آموزش چیست ؟ چگونه می توان محتوای آموزشی را سازماندهی کرد ؟ پاسخ به این سئوالها در حوزه روانشناسی یادگیری و آموزش (تربیتی) قرار می گیرد .



روانشناسی علمی است که رفتار و فرایند های ذهنی را مورد مطالعه قرار می دهد . به نظر شما چرا علی رغم اطلاع رسانی فراوان بعضی افراد به بهداشت فردی توجه می نمایند و بعضی بی توجه هستند . پاسخ به چرایی رفتار در حوزه روانشناسی قرار دارد .

روانشناسی تربیتی یکی از رشته های کاربردی روانشناسی است که به مطالعه مسائل یادگیری آموزشگاهی و آموزش می پردازد . روانشناسی تربیتی در پی یافتن روش ها و اصولی است که مربیان را در آموزش موضوعات مختلف ، شناسایی و رفع مشکلات یادگیری فراگیران کمک کند و بر اساس یافته های پژوهشی و علمی خود ، آنان را در برخورد با مسائل شغلی اش یاری نموده و برای آموزش موثرتر و موفق تر ارائه طریق کند . در این فصل مفاهیم یادگیری ، آموزش و کارآموزی که از مفاهیم بنیادی دانش روانشناسی تربیتی هستند مورد بحث قرار می گیرند .

یادگیری

وقتی صحبت از این می شود که شما رفتار یا مهارتی را یاد گرفته اید این بدان معناست که شما قادر به انجام کاری هستید که پیش از این قادر به انجام آن نبوده اید . مثلاً وقتی گفته می شود شما رانندگی را یاد گرفته اید معنی آن این است که شما بر خلاف گذشته اکنون می توانید اتومبیلی را برانید . به عبارت دیگر در رفتار شما تغییری صورت گرفته است . مسلماً این یادگیری نتیجه و ثمره آموزش است . یادگیری انسان از لحظه تولد آغاز و در سراسر زندگی تداوم دارد و مهمترین عامل پایه ریزی رفتار انسان می باشد .



مثال تاثیر آموزش بر تغییر رفتار در موضوع تنظیم خانواده :

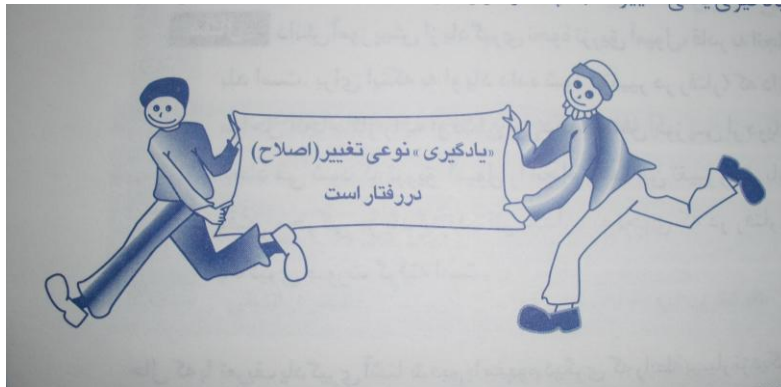
✚ برای بهورز به عنوان ارائه دهنده خدمات :

* آموزش در مورد پیامدهای ناشی از رشد بی رویه جمعیت ➡ تغییر در نگرش بهورز ➡ تغییر در رفتار بهورز به شکل یادگیری بهتر آموخته ها و جدی گرفتن نقش خود در این زمینه
* آموزش در زمینه دستورالعملهای تنظیم خانواده شامل انواع روشها ، عوارض ، منع مصرف نسبی و مطلق و ... ➡ تغییر در دانش ، نگرش و عملکرد بهورز ➡ تغییر در رفتار بهورز به شکل تامین مناسب نیازهای متقاضیان برنامه تنظیم خانواده
✚ برای گیرنده خدمت :

* آموزش در زمینه اثر زایمانهای مکرر بر سلامت مادر و کودک ➡ تغییر نگرش زوجها در مورد فاصله گذاری ➡ تغییر رفتار به شکل پذیرش برنامه تنظیم خانواده
* آموزش در مورد نحوه استفاده از روش تنظیم خانواده ➡ تغییر در دانش ، نگرش و عملکرد گیرنده خدمت در زمینه استفاده از روشها ➡ تغییر رفتار به شکل استفاده درست از روشهای تنظیم خانواده

جامعترین تعریف یادگیری ، تعریف هیلگارد و مارکویز در کتاب شرطی سازی و یادگیری آمده است :

" یادگیری یعنی تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده مشروط بر آنکه این تغییر بر اثر تجربه رخ دهد . "



بر اساس این تعریف مهمترین مشخصه های یادگیری عبارتند از :



- ❖ یادگیری نوعی تغییر در رفتار است .
- ❖ تغییری که به تدریج رخ می دهد .
- ❖ تغییری که نسبتاً پایدار است .
- ❖ تغییری که بر اثر اخذ تجربه حاصل می شود .

الف) تغییر نسبتاً پایدار

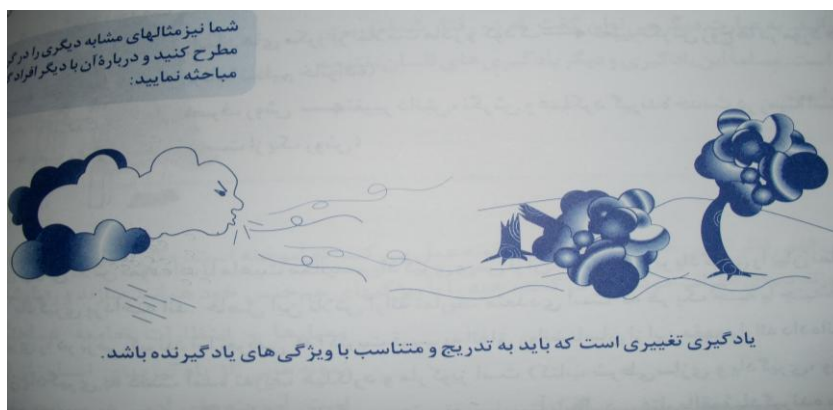
تغییر موقتی رفتار که تحت تاثیر عواملی مانند هیجانات ، خستگی ، تغییرات فیزیولوژیک (تغییر در اندازه مردمک چشم) ، عوامل مکانیکی و شیمیایی ایجاد می شود یادگیری نیست . این عوامل اگر چه در رفتار فرد تغییر به وجود می آورد اما به محض برطرف شدن عوامل ، تغییر رفتار به حالت اولیه بر می گردد و عنوان یادگیری به این تغییرات اطلاق نمی شود .

ب) رفتار بالقوه

از آنجا که یادگیری تغییراتی است که در ساختار ذهنی فرد ایجاد می شود و زمانی قابل اندازه گیری خواهد بود که به رفتار بالفعل (عملکرد) تبدیل شود ، یادگیری نوعی ایجاد توانایی در فرد است که با مراجعه به رفتار بالفعل یا عمل آشکار یادگیرنده ، این توانایی را استنباط می کنیم .

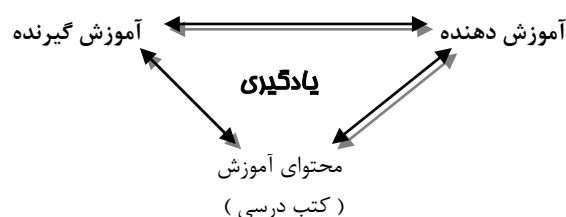
ج) تجربه

کاربرد این کلمه در تعریف حاکی از آن است که آن دسته از تغییرات رفتاری را می توان یادگیری نامید که محصول تجربه ، یعنی تاثیر متقابل فرد و محیط باشد . فرایندهایی مانند رشد کردن ، بالغ شدن و سالمند شدن از جمله تغییراتی است که در انسان رخ می دهد ولی یادگیری محسوب نمی شود .



آموزش

آموزش به هر گونه فعالیت از پیش طرح ریزی شده ای گفته می شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است و حاصل تعامل بین مربی ، دانش آموز و محتوای آموزش است .



اجزاء اصلی فرایند آموزش با هدف ایجاد یادگیری در یادگیرنده با یکدیگر تعامل می کنند .

پس :

- ❖ آموزش به فعالیت یک جانبه مربی اطلاق نمی شود .
- ❖ تنها " گفتن " به معنای " آموختن " نیست .
- ❖ فعالیتی که منجر به یادگیری در یادگیرنده نشود ، آموزش نیست .
- ❖ آموزش مستلزم طرح و نقشه ای برای تبادل محتوای آموزشی است .

بنابراین وجود دو شرط برای اطلاق مفهوم آموزش ضروری است : * اهداف آموزشی * برنامه ریزی برای رسیدن به این اهداف

رابطه آموزش و یادگیری

- ❖ آموزش وسیله ای است به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده گان
- ❖ یادگیری همیشه معطوف به یادگیرنده است ولی آموزش مستلزم فعالیت متقابل بین حداقل دو نفر (مربی و دانش آموز) است .
- ❖ یادگیری هدف است و آموزش وسیله رسیدن به این هدف.
- ❖ یادگیری می تواند بدون آموزش صورت بگیرد اما آموزشی که منجر به یادگیری یادگیرنده نشود " آموزش " نیست .

کارآموزی

- ❖ کارآموزی (مهارت آموزی) نوعی آموزش با ویژگیهای خاص خود است . یکی از مهمترین ویژگیهای مهارت آموزی ها ، کسب توانایی و مهارتهای تقریباً مشابهی در پایان دوره هاست ، در حالی که نظام های آموزشی برای کسب توانایی های مختلف برنامه ریزی شده است .
- ❖ کارآموزی شبیه طی کردن مسیری محصور برای رسیدن به اهداف ازپیش تعیین شده است ولی تعلیم و تربیت گشت و گذر آزادانه در اطراف این مسیر است که ترجیحا با استفاده از برنامه انجام می شود .
- ❖ کارآموزی آموزش های برنامه ریزی شده و هدفداری را شامل می شود که انتظارات مشخصی را دنبال می کند و منظور از آن ایجاد توانایی ها ، فنون و مهارتهای مورد نیاز برای انجام شغل و حرفه ای معین است . مثلا دوره های کارآموزی "تربیت بهورز" ، " تربیت خلبان "
- ❖ کارآموزی بخش کوچکی از تعلیم و تربیت می باشد که هدف آن تربیت افراد برای مشاغل معین است و فعالیتهای مشخصی را بر اساس استاندارد های خاص سازمانی خود دنبال می نماید .

❖ دوره های کارآموزی :

- * فعالیتی است محدود و مشخص با اهداف دقیق و کوتاه مدت
- * بیشتر از سوی سازمانها و سایر وزارتخانه ها برای تامین نیروهای انسانی متخصص مورد نیاز خود صورت می گیرد .
- * افراد علی رغم علائق و استعدادهای متنوع همگی باید به سمت هدف واحدی گام بردارند .
- * اهداف تامین کننده نیازهای سازمان اداره کننده دوره ها می باشد .

❖ دوره های آموزشی :

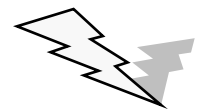
- * فرایندی است گسترده و دراز مدت با اهداف کلی
- * وظیفه نهادهای رسمی آموزشی مانند مدارس می باشد .
- * افراد می توانند بر اساس علائق و استعدادهای خود مسیر خود را انتخاب نمایند .
- * هدف از دوره های آموزشی تامین نیاز های افراد است .

دوره های آموزش بهورزی از جمله دوره های کارآموزی به شمار می آید که هدف آن تربیت افراد برای انجام شغل بهورزی است . ویژگی اصلی آموزش در دوره های کارآموزی این است که بایستی دقیقا مطابق با اهداف آموزشی و استاندارد های عملیاتی باشد . منظور اصلی از اجرای این دوره تبدیل هر چه سریعتر آموخته های تئوری به عملی است .

کتاب ۱ : روانشناسی یادگیری و آموزش



فصل ۲ هدف های آموزشی



پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

۱. نقش و اهمیت اهداف آموزشی را به طور خلاصه بیان نمایید .
۲. فواید تدوین اهداف آموزشی را به اختصار توضیح دهید و مهمترین تاثیر آن در فرایند آموزشی را تشریح کنید .
۳. انواع مختلف اهداف آموزشی را با ذکر مثال تجزیه و تحلیل کنید .
۴. تفاوت اهداف رفتاری و اهداف غیر رفتاری را با ذکر مثال توضیح دهید .
۵. برای موضوعات مختلف آموزشی با رعایت گام های اساسی ، اهداف رفتاری بیان نمایید .

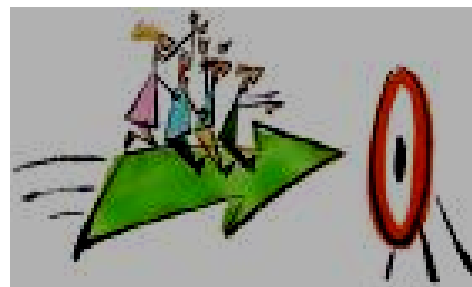
ضرورت تدوین اهداف آموزشي

اهداف آموزشي در قالب عبارتهاي بيان مي شود كه نتيجه نهايي فرايند ياددهي - يادگيري را نشان مي دهند و رفتارهاي مورد انتظار از فراگيران را مشخص مي سازند. اين اهداف به يادگيرنده كمك مي كنند تا در مسيري معين و با مشاركتي فعال در آموزش گام بر دارند.

مثال: فراگيران در پايان كلاس درس تئوري دو مورد از اختلالات تغذيه اي شايع در سالمندان را نام برده و علائم هر يك را به اختصار توضيح دهند.



تا فرد نداند كه مقصدش كه است هرگز نمي تواند به گزينش بهترين راه براي رسيدن به آن بپردازد.



فوائد بيان اهداف آموزشي :

۱. سازماندهي محتوای درسی

مهمترین فایده تدوین اهداف آموزشی آن است که محتوای مرتبط با هدف ها را سازماندهی می نماید. محتوای درسی باید تمامی اهداف آموزشی را در برگیرد در غیر این صورت ما نمی توانیم به اهداف پیش بینی شده برسیم. از طرف دیگر وجود اهداف دقیق و معین، کار تنظیم محتوا را تسهیل می کند.

۲. تعیین فعالیتهای مربی و رفتارهای مورد انتظار

اهداف آموزشی به عنوان مبنا و اساس فعالیتهای آموزشی، فعالیتهای مربی را در ضمن تدریس و پس از تدریس مشخص می کند.

۳. طرازی و انتخاب مواد، وسایل و روش های آموزشی

اهداف آموزشی مبنای تصمیم گیری ما برای انتخاب مواد، وسایل و روش های آموزشی است. "به نظر شما اگر مقصد خود را ندانیم آیا می توانیم روش و وسیله مناسبی را برای رسیدن به مقصد برگزینیم."

۴. سازماندهی فعالیتهای دانش آموزان

در صورت وجود هدف های صریح آموزشی، دانش آموزان بهتر می توانند تصمیم بگیرند که برای رسیدن به هدف ها چه فعالیتی را انجام دهند و کوشش های خود را برای دستیابی به آن هدف ها جهت دهند.

۵. تعیین ملاک و شیوه ارزشیابی

یکی از فواید بیان اهداف آموزشی تسهیل کار ارزشیابی مربی است. بنابراین برای ارزشیابی میزان دستیابی به اهداف آموزشی نیاز به معیاری داریم که بر اساس اهداف دقیق آموزشی طرح ریزی شود.



✽ بیان هدف های آموزشی تاثیر شگرفی بر هر یک از عناصر فرایند آموزش دارد .

راه های مختلف بیان هدف های آموزشی :

۱. بر اساس فعالیتهای مربی

بسیاری از مربیان اهداف آموزشی را بر اساس فعالیت و روش آموزش خود بیان می کنند .
مثال :
* آموزش مفهوم سلامتی
* معرفی انواع گروه های اصلی غذایی

۲. بر اساس فعالیت دانش آموز

اهداف با توجه به فعالیت دانش آموز در راه رسیدن به هدف های آموزشی بیان می شود .
مثال :
* تمرین سنجش بینایی
* نحوه معاینه ستون فقرات

۳. بر اساس عنوان درس

پاره ای از اهداف آموزشی بر اساس عناوین درس ها تدوین می شوند .
مثال :
* اهمیت تغذیه دانش آموزان در سنین مدرسه را توضیح دهید .
* علل پوسیدگی دندان را بیان نمایید .

۴. با توجه به یادگیری دانش آموز

اهداف آموزشی بر اساس یادگیری دانش آموزان ، به عنوان هدف اصلی فعالیت آموزشی تدوین می گردد .
مثال :
* توصیه های لازم برای پیشگیری از بیماریهای شایع در سنین مدرسه را بیان نمایید .
* فهرستی از مشکلات موجود در زمینه بهداشت محیط مدرسه و راهکارهای کنترل آن را تهیه نمایید .

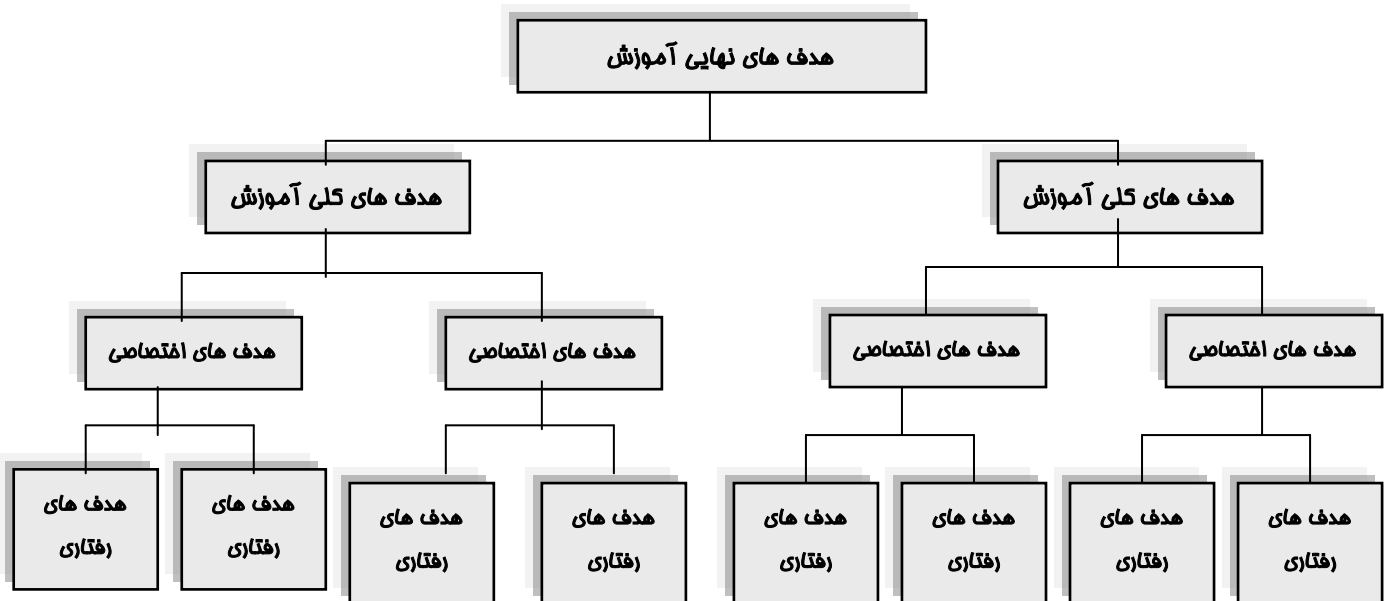
به نظر شما بهترین طریقه بیان اهداف آموزشی کدام است ؟

بهترین راه بیان هدف های آموزشی در نظر گرفتن یادگیری دانش آموزان است . بهترین راه تدوین اهداف یک مهارت آموزی ، انتظارات برنامه در ایجاد مهارت در ارائه کننده خدمت است . یک هدف آموزشی مشخص می کند که میزان یادگیری ارائه کننده خدمت چیست ؟
برای پی بردن به میزان یادگیری دانش آموز باید به رفتار و عملکرد قابل مشاهده و قابل اندازه گیری یادگیرندگان توجه نمود و اهداف آموزشی را به صورت اهداف رفتاری بیان نمود . هدف رفتاری نوعی هدف آموزشی است که قابل مشاهده و قابل اندازه گیری می باشد .

انواع هدف های آموزشی

۱ - بر اساس سطوح آن از کل به جزء

- ☼ **هدف های کلی :** از بیانات کلی ، مبهم و نامشخص برخوردار است . در سطوح بالاتر سازمانی نبین می شوند و جهت حرکت و چارچوب کار را مشخص می کنند . به سهولت قابل اندازه گیری نبوده و تفسیرپذیرند .
- ☼ **هدف های جزئی (اختصاصی) :** این اهداف دقیق تر از اهداف کلی بوده ولی از اهداف رفتاری کلی ترند و باید به اهداف رفتاری تبدیل شوند .
- ☼ **هدف های رفتاری :** قابل مشاهده ، قابل سنجش و اندازه گیری و کاملاً مشخص هستند . این اهداف جزئی تر ، قابلیت های مورد نیاز بهورزان برای اجرای برنامه های بهداشتی در سطح روستا هستند که برای تحقق اهداف برنامه لازم است .



سطوح مختلف هدف های آموزشی

* فرایند تحلیل آموزشی :

به فرایند تبدیل هدف های کلی آموزشی به اهداف کوچکتر (اهداف رفتاری) فرایند تحلیل آموزشی گفته می شود .

۲ - بر اساس زمان تحقق اهداف

- ☼ **اهداف کوتاه مدت :** به اهداف یک موضوع یا عنوان درسی توجه دارد .
- ☼ **اهداف بلند مدت :** به اهداف یک برنامه درسی توجه دارد .

تفاوت اهداف آموزشی رفتاری با اهداف غیر رفتاری

اهداف رفتاری بر اساس عملکرد قابل مشاهده و قابل اندازه گیری یادگیرنده توصیف می شوند در حالیکه اهداف غیر رفتاری با عباراتی مبهم و نامشخص بیان می شوند و به سهولت قابل اندازه گیری نیستند . از این رو افراد مختلف این هدف ها را به گونه ای متفاوت تفسیر می کنند و همه برداشت یکسانی ندارند . مسلماً ارزشیابی و تهیه آزمون برای سنجش میزان دستیابی به اهداف رفتاری به مراتب ساده تر از تهیه آزمون برای سنجش میزان دستیابی به اهداف غیر رفتاری می باشد .

- مثال هایی از اهداف غیر رفتاری : ☼ نقش کلیه ها در بدن را بداند . ☼ تغییرات دوران بلوغ را یاد بگیرد .
- ☼ قسمت های مختلف دستگاه گردش خون را بداند .

- مثال هایی از اهداف رفتاری : ☼ فراگیر در کلاس درس بتواند چهار مورد از موارد توصیه های پیشگیری از سوء تغذیه را توضیح دهد .
- ☼ فراگیر بدون استفاده از کتاب بتواند شرایط ۷ گانه توالتهای بهداشتی را به طور کامل بیان نماید .

تنها در صورت بیان اهداف به صورت اهداف رفتاری می توان در یک برنامه واحد ، انتظار ومدت رویه داشت .

چهار گام اساسی برای بیان اهداف آموزشی

گام اول : تعیین شرایط

مشخص کننده موقعیتها ، محدودیتها ، ملزومات ، مواد ، ابزار و تجهیزاتی است که تحت تاثیر آنها رفتار صورت می گیرد مانند :

* فراگیر در خانه بهداشت بتواند

* فراگیر در کلاس درس بتواند

* فراگیر با کمک بوکلت چارت مانا بتواند

* فراگیر با استفاده از کیت کلر سنج بتواند

گام دوم : تعیین ملاک

ملاک یا معیار موفقیت در دستیابی به فعل مورد انتظار را مشخص می کند و بیانگر میزان قابل قبول فعالیتی است که دانش آموز باید بیاموزد مانند :

* فراگیر بدون استفاده از دستورالعمل موجود بتواند ۹ مورد از معاینات غربالگری را نام ببرد .

* فراگیر بدون استفاده از کتاب بتواند به ۸۵٪ از تمرین های درس پاسخ بدهد .

* فراگیر با استفاده از فشارسنج بتواند در مدت ۱۰ دقیقه فشار خون ۵ نفر را به طور صحیح اندازه گیری نماید .

گام سوم : عملکرد یا رفتار مورد انتظار

عملکرد ، کاری که فراگیر در نهایت باید انجام دهد را مشخص می کند . عملکرد بیانگر رفتار قابل مشاهده و قابل اندازه گیری است که فراگیر باید از خود نشان بدهد .

* فراگیر با استفاده از ماکت تمامی اجزاء دستگاه گردش خون را نشان دهد و هر یک را به اختصار توضیح دهد .

* فراگیر در خانه بهداشت بتواند ضمن رعایت تمامی نکات استریل واکسن... را با روش صحیح تزریق نماید .

گام چهارم : بیان هدف

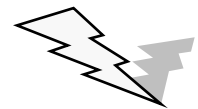
اهداف را با فاعل مشخص و در نهایت صراحت و روشنی بیان نمایید .

توجه داشته باشید که برای رفتاری بودن یک هدف آموزشی وجود سه عنصر شرایط ، معیار و عملکرد ضروری است .

کتاب ۱ : روانشناسی یادگیری و آموزش

فصل ۳

طبقه بندی هدف های آموزشی



پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

۱. طبقه بندی هدف های آموزشی در سه حیطه شناختی ، عاطفی و روانی - حرکتی را توضیح دهید و کاربرد آن را بیان نمایید .
۲. منظور اصلی از انجام طبقه بندی اهداف آموزشی از سوی صاحب نظران امر آموزش را بیان نمایید .
۳. بعد از خواندن یک متن برای آن اهداف آموزشی تهیه نمایید .
۴. هدف های آموزشی یک متن را بر اساس سطوح یادگیری تعیین نمایید .

طبقه بندی سطوح آموزشی

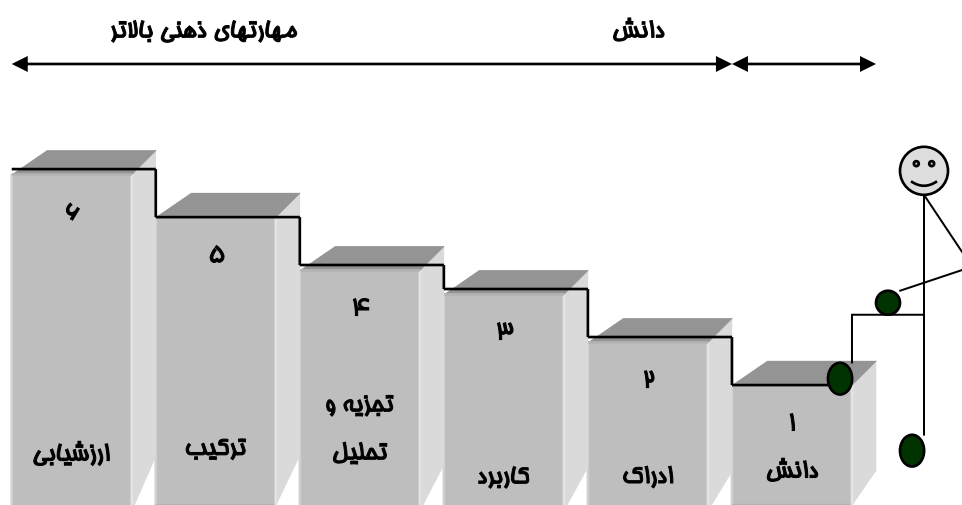
با توجه به این که هدف ها سنگ زیر بنای هر آموزشی هستند و نتایج نهایی حاصل از آموزش را در بر می گیرند ، باید بدانیم که اهداف چگونه باید باشند تا ما را در امر آموزش یاری نمایند . صاحب نظران امر آموزش با طبقه بندی هدف ها تلاش می کنند تا تجزیه و تحلیل ، تعیین و بیان هدفها با سهولت انجام گیرد . در طبقه بندی بنیامین . اس . بلوم ، هدف های آموزشی به سه حیطه شناختی ، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم می شوند .



هدف های آموزشی میطه شناختی



اهداف این حیطه دانش ، معلومات ، توانایی ها و مهارت های ذهنی را شامل می شود و به آنچه دانش آموز باید بفهمد و بداند مربوط می شود . مثلاً وقتی نگران هستیم دانش آموزان اطلاعات کافی درباره بیماری سل ندارند ، نگرانی ما در رابطه با مشکل دانش آموز درحیطه شناختی است . یاد دادن موضوعات درسی در شرایط کلاسی ، اهداف این حیطه را دنبال می کند . از طریق پرسش و آزمون میتوان میزان دستیابی به اهداف این حیطه را ارزشیابی نمود . برای مثال این پرسش که اندازه بزرگی پنجره ها نسبت به مساحت کلاس چقدر باید باشد (پاسخ ۱/۵) نمونه ای از ارزشیابی فرد از دستیابی به اهداف حیطه شناختی می باشد .



سطوح یادگیری در میطه شناختی: هدف ها از ساده به دشوار تنظیم شده اند و هر سطح مقدمات رسیدن به سطوح بالاتر را فراهم می کند .



به نظر شما مسیر یادگیری در جهت دستیابی به هدف نهایی یک مسیر فستة کننده ، دشوار و غیر ممکن نیست ؟

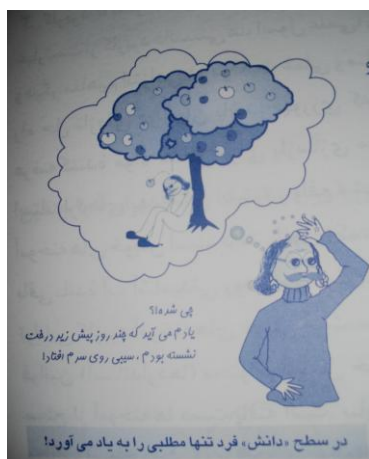
سطح دانش Knowledge

شامل حفظیات ، یادآوری اطلاعات ، اصطلاحات ، فرایندها و موقعیت هاست . این سطح کاملاً به حافظه متکی می باشد و فراگیر تنها به بیان آنچه که به خاطر سپرده می پردازد . این سطح پایین ترین سطح یادگیری در حیطه شناختی بوده و رسیدن به سطوح بالاتر مستلزم رسیدن به این سطح است .

مثال : * فراگیر علل اسهال را نام ببرد .

* فراگیر گروه های اصلی غذایی را نام ببرد .

* فراگیر سلول را تعریف کند .



سطح فهمیدن یا درک کردن Comprehension

در این سطح فرد بدون پی بردن به موارد استفاده کامل مطلب ، با بیانی تازه و ساده هدف اصلی مطلب مورد نظر را توضیح می دهد .

مثال : * فراگیر اهمیت پیشگیری سطح اول را به بیان خود توضیح دهد .

* فراگیر نمودار و تصاویر کتاب را تفسیر کند .



سطح کاربرد یا بکار بستن Application

یادگیری در این سطح عبارت است از کاربرد دانستنی ها ، دستورالعملها در موقعیت عملی بدون اینکه راه حل تازه ای در میان باشد . بهروزی که در حال راهنمایی مادر در زمینه نحوه صحیح شیردهی یا تهیه غذای کمکی می باشد در واقع مشغول به کار بستن آموخته های خود می باشد .

مربی که بعد از گذراندن دوره مربی گری ، آموزش خود را بر اساس اصول آموخته شده ارائه می کند به این سطح از یادگیری رسیده است . دانش آموزی که جدول نتایج کلرسنجی آب را در طول یکماه قبل کنترل می کند دارای توانایی کاربرد آموخته های خود است . این سطح به مراتب بالاتر از دو سطح قبلی بوده و مسلماً برای دستیابی به اهداف این سطح ، داشتن تسلط به سطوح پایین تر یادگیری در حیطه شناختی ضروری است .

منظور اصلی دوره آموزش بهروزی ، ارتقاء سطح یادگیری

بهروزان به این سطح از آموخته هاست .

مثال : * فراگیر در پایان آموزش بتواند فرم ویژه نتایج غربالگری را تکمیل نماید .

* فراگیر در پایان آموزش بتواند نمودار تغییرات وزن برحسب سن را ترسیم نماید .



سطح تجزیه و تحلیل Analysis

اهداف این سطح نسبتاً بالاتر از مهارت‌های سطح دانش، فهمیدن و کاربرد است. در این سطح فرد توانایی تجزیه و تحلیل یک موضوع به اجزاء تشکیل دهنده آن را کسب می‌کند

- مثال: * فراگیر بتواند علل عدم مراجعه مردم به خانه بهداشت را توضیح دهد.
- * فراگیر بتواند فهرستی از مشکلات بهداشتی منطقه را تهیه نماید.



سطح ترکیب synthesis

در این سطح فراگیر توانایی ارائه راه حل‌های جدید، ایجاد برنامه‌ای منسجم و تولید شیوه‌های نوین را پیدا می‌کند. این سطح مستلزم در هم آمیختن تجربیات، دانستنی‌ها و واقعیت‌ها در راستای دستیابی به یک روش جدید است. در این سطح خلاقیت نقش مهمی ایفا می‌کند. مربی که پس از دوره مربی‌گری طرح درس آموزشی روزانه تهیه می‌نماید به این سطح از سطوح حیطه شناختی رسیده است.

- مثال: * فراگیر بتواند بر اساس آموخته‌های خود با زوجین در زمینه تنظیم خانواده مشاوره نماید.
- * فراگیر بتواند یک برنامه مشارکت جمعی برای رفع مشکل زباله‌ها در روستا ترتیب دهد.
- * فراگیر بتواند رژیم غذایی متعادل و متناسب با محصولات غذایی منطقه جغرافیایی خود پیشنهاد نماید.



سطح ارزشیابی Evaluation

در این سطح فراگیر توانایی نقد و قضاوت در باره موضوعات مختلف را پیدا می‌کند. ارزشیابی و قضاوت بالاترین سطح یادگیری در حیطه شناختی به شمار می‌رود. این مرحله نقش پل ارتباطی بین رفتارهای شناختی و رفتارهای عاطفی است. رسیدن به این مرحله به تحقق کامل سایر اهداف آموزشی این حیطه بستگی دارد.

- مثال: * فراگیر بتواند نقاط ضعف و قوت عملکرد یک بهروز را در زمینه معاینات بهداشتی دانش آموزان، نقد، بررسی و ارزیابی نماید.



- * بهروز بتواند دلایل عدم پوشش مناسب در زمینه مراقبت مادران باردار را بیان نماید.
- * بهروز بتواند تاثیر عملکرد خود در زمینه ایجاد پوشش مناسب واکسیناسیون، را بیان نماید.
- * مربی بتواند عملکرد دو دانش آموز را در زمینه ای خاص مقایسه و ارزیابی نماید.



پس با آگاهی از سطوح مختلف هدف ها ، مربیان بهورزی می توانند :

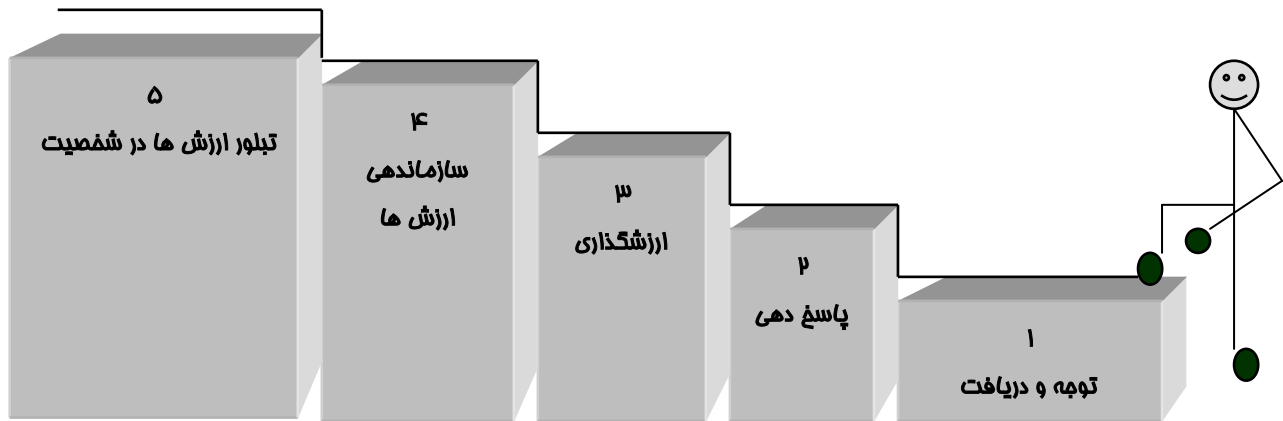
- آموزشهای متناسب با سطوح مختلف را تدارک ببینند و از روشها و فنونی که به سطوح بالاتر یادگیری " **مداقل سطح کاربرد** " می انجامد ، استفاده نمایند . برای مثال بااستفاده از روش توضیحی و شیوه سخنرانی به سختی می توان به اهداف سطح کاربرد دست یافت .
- در طراحی آزمونها به منظور تعیین میزان دستیابی به اهداف آموزشی موفق عمل نمایند . به عنوان مثال این سؤال که علت بیماری سل چیست ؟ سؤالی است که به ارزیابی آموخته ها در سطح دانش می پردازد . در حالی که سؤالات باید سطوح بالاتر یادگیری را مورد ارزشیابی قرار دهند .

جدول ۱ : خلاصه افعال در سطوح مختلف حیطه شناختی و نمونه افعال آن

ردیف	سطوح حیطه شناختی	منظور هر سطح	اهداف کلی هر سطح (نتایج یادگیری)	افعال رفتاری (مصدر)
۱	دانش	به خاطر آوردن آموخته های پیشین	* دانستن مفاهیم ، روشها و دستورالعملها و	به خاطر آوردن ، تعریف کردن نام بردن، عنوان کردن ، بیان نمودن ، فهرست کردن و ...
۲	ادراک	فهمیدن مفهوم یک مطلب	* فهمیدن اصول ، قوانین	خلاصه کردن ، مثال زدن، ترجمه کردن پیش بینی کردن ، توضیح دادن و ...
۳	کاربرد	توانایی بکار بردن آموخته ها در موقعیت جدید و واقعی	* به کار بردن مفاهیم در موقعیت های جدید * به کار بردن نظریه ها و قوانین علمی در موقعیت های علمی	اندازه گیری کردن ، راهنمایی کردن ، اصلاح کردن ، برآورد نمودن ، کشف کردن و ...
۴	تمیزه و تحلیل	قابلیت جزء به جزء کردن یک مطلب به اجزای تشکیل دهنده آن	* تجزیه و تحلیل نمودارها ، جداول و ساختار متون	بررسی کردن ، با نمودار نشان دادن ، انتخاب کردن و ...
۵	ترکیب	توانایی قرار دادن اجزاء در کنار هم و تشکیل یک کل جدید	* ترکیب اصول ، قواعد ، مطالب و مفاهیم * ارائه طرح جدید	ترسیم کردن ، طبقه بندی نمودن ، تدبیر کردن ، تصمیم گرفتن ، باز نویسی کردن ، سخنرانی کردن و ...
۶	ارزشیابی	توانایی قضاوت درباره ارزش مطالب	* ارزشیابی نتایج ، روش ها ، قوانین و اصول	ارزش گذاری کردن ، امتیاز دادن انتقاد کردن ، مقابله کردن ، ساختن و ...

هدف های آموزشی در میله عاطفی

اهداف آموزشی در این حیطه با علائق ، انگیزش ، نگرشها ، عواطف ، احساسات و ارزشها سر و کار دارند . وقتی نگران هستیم که یکی از دانش آموزان علاقه ای به درس نشان نمی دهد ، نگرانی ما در رابطه با مشکل دانش آموز درحیطه عاطفی است . با توجه به این که فقط تدریس حقایق و مهارت ها کافی نیست و جدی گرفتن آموزش و عملی ساختن آن معمولا به نگرش افراد بستگی دارد ، اهداف حیطه عاطفی در فرایند آموزش از اهمیت ویژه ای برخوردار است . آیا واقعا می توان نگرشی مانند تعهد به کار را به افراد آموزش داد ؟ راههای متعددی وجود دارد که می توان بر نگرش ها نفوذ کرد . ما با مشاهده رفتارها و تکرار و تعدد رفتارهای انجام شده می توان به میزان دستیابی به این اهداف و تغییر در عملکرد ها پی برد . اهداف آموزشی در حیطه عاطفی در زمینه هایی همچون بهداشت ، سلامتی و ایمنی از اهمیت برخوردار است .

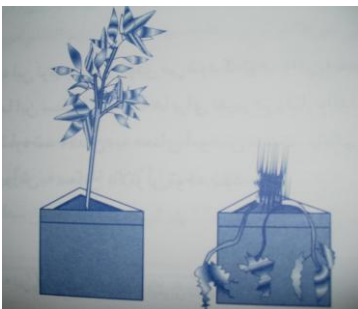


سطوح یادگیری در میله عاطفی: پنج سطح اهداف حیطه عاطفی از ساده به دشوار تنظیم شده و هر سطح مقدمات رسیدن به سطوح بالاتر را فراهم می کند
مثال :

✱ در مورد موضوع آموزش مرافبت دوران بارداری باید به دانش آموزان بگوییم :

در کشور ما میزان مرگ و میر مادران و نوزادان در اثر بارداری در معرض خطر چقدر است . کم دقتی در انجام یک مراقبت دوران بارداری منجر به مرگ مادر و نوزاد یا ایجاد عوارض غیر قابل برگشت می شود مثلا معلولیت ذهنی یا جسمی دائمی . چرا در جامعه ما کودکانی در مراکز معلولین نگهداری می شوند ؟ گناه این کودکان چیست ؟ و ...

✱ گلپای این دو گلدان را مقایسه کنید و بگویید کدامیک بهتر رشد می کند و چرا ؟



پس :

" ذکر اهمیت موضوع منجر به تغییر نگرش و ایجاد تعهد برای یادگیری و ارائه مناسب خدمات می شود."

سطح تومعه و دریافت Receiving

در این سطح توجه دانش آموز به موضوع جلب می شود و این جلب توجه مقدمه ای برای ایجاد علاقه به فعالیتهای آموزشی و دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری در این حیطه به شمار می رود . دراین مثال تحقق اولین سطح حیطه عاطفی را می بینیم :

بهورز برای بیان ارتباط مگس های خانگی با اسهال در موقعیت غیر کلاسی به یک مادر روستایی از او سئوالاتی می پرسد . آیا شما پا دارید ؟ اگر پای خود را بر روی مدفوع گاو قرار دهید ، مقداری از مدفوع به پایتان نمی چسبد ؟ اگر با همین پا وارد خانه شوید آیا مقداری از آن بر روی کف اتاق نمی چسبد ؟ آیا مگس ها پا دارند ؟ آیا شما فکر نمی کنید که مدفوع انسان هم به پای مگس ها می چسبد ؟ و
پس : این سطح پیش نیاز سطوح بالاتر است .

سطح پاسخ دهی Responding

در این سطح فراگیران نسبت به موضوع مورد توجه ، پاسخ و واکنش نشان می دهند . در این سطح واکنشهای فراگیر نسبت به موضوع ارزیابی می شود . تمایل به رعایت موارد بهداشتی ، صحبت با اشتیاق دانش آموز با دیگران در زمینه اهمیت رعایت بهداشت فردی حاکی از دستیابی به این سطح است .
به راستی چرا علی (غم تمامی آموزنها عده ای از بهورزان هنوز خدمات را به شکل مناسبی ارائه نمی دهند ؟ آنان به نقش و جایگاه خود پی نبرده اند .

سطح ارزشگذاری Valuing

در این سطح رفتار دانش آموز نشان دهنده احساس ، عقیده و نگرش او نسبت به یک موضوع است . در سطوح قبل فراگیر ثبات کمتری در رفتارها دارد اما در سطح ارزشگذاری انجام رفتار برای فرد دارای ارزش بوده و تعهد بیشتری نسبت به آن دارد . در این سطح فرد دیگران را به انجام رفتار های مورد نظر تشویق می نماید . مثلا فرد مطالعه را به عنوان فعالیتی دارای ارزش تلقی می کند و رفتاری از خود نشان می دهد که مبین اهمیت دادن به مطالعه است و همچنین دیگران را به مطالعه ترغیب می نماید .

🌟 سطح سازماندهی ارزش ها Organization Of Value

در این سطح فرد به درونی کردن ارزش ها می پردازد و به تدریج مجموعه ای از ارزش ها سازماندهی می شود و ناخود آگاه یک روش زندگی شکل می گیرد. در این سطح فردی که مطالعه کردن را یک فعالیت ارزشمند می داند برای انجام آن به صورت جزئی از فعالیتهای روزمره خود برنامه ریزی می کند و زمان مشخصی را به این امر اختصاص می دهد.

🌟 سطح تبلور ارزشها در شفافیت Value Complex

در این سطح فرد دارای یک نظام ارزشی می شود که بر رفتار او سایه می افکند تا آن جا که رفتار فرد پایدار و قابل پیش بینی می شود. در این سطح رفتار فرد بیانگر ارزش های ثابت و پایدار مختص او است. مثلاً فرد برای مطالعه از خود سخت کوشی، دقت و انضباط شخصی نشان می دهد، با نهایت تعهد در فعالیتهای گروهی شرکت می کند. سطوح پایین تر اهداف این حیطه به عنوان پیش نیاز رسیدن به این سطح است. به علاوه اهداف حیطه عاطفی ارتباط نزدیکی با اهداف آموزشی در حیطه شناختی دارند و بدون طی کردن مراحل مختلف سطوح حیطه شناختی، تحقق این اهداف میسر نیست. به صرف اطلاع رسانی و آگاه کردن افراد نمی توان انتظار توجه، پاسخ دهی و ارزشگذاری را داشت. همچنین تغییر در نگرشها، علائق و ارزش ها بستگی به شناخت و آگاهی فرد دارد.

به نظر شما علل تعلل بهروزان در انجام وظایف چیست؟ چه باید کرد؟ تنبیه یا ارزیابی میزان دستیابی به اهداف حیطه عاطفی؟



مناسبتترین شیوه در ارتقای عملکرد ارائه کننده خدمت، اجرای آموزش بلافاصله پس از نظارت است، زیرا در این شرایط فرد نظارت کننده می تواند به فراخور نیاز اختصاصی او اقدام به آموزش مستمر و متناوب نماید. بنابراین برنامه ریزی بازآموزی باید بر مبنای نیاز واقعی ارائه کننده خدمت ترتیب داده باشید.

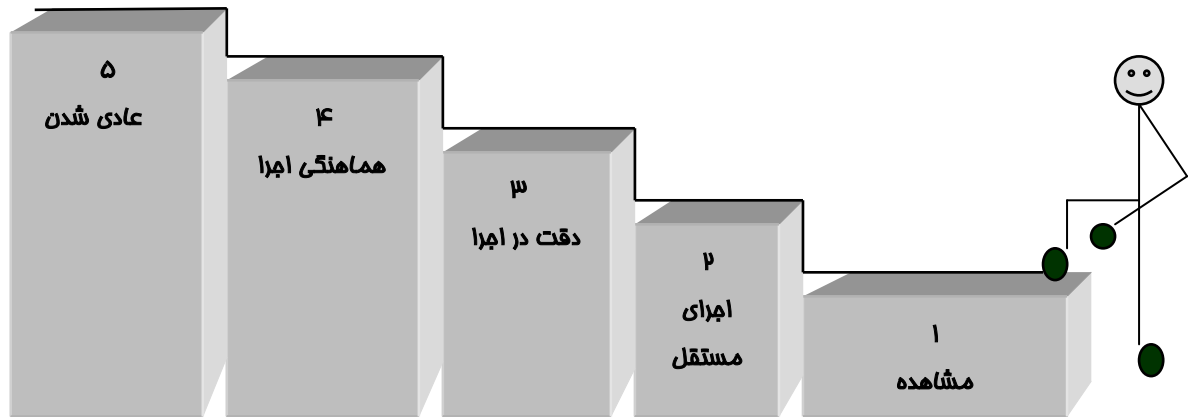
حاصل این که آموزش موثر و موفق نظام آموزش بهروزی، آموزشی است که بتواند بهروزان را به سمت تمقق اهداف این حیطه رهنمون سازد.

جدول ۲: خلاصه افعال در سطوح مختلف حیطه عاطفی و نمونه افعال آن

ردیف	سطوح حیطه عاطفی	منظور هر سطح	اهداف کلی هر سطح (نتایج یادگیری)	افعال رفتاری (مصدر)
۱	توجه و دریافت	تمایل برای توجه به موضوعی خاص	* آگاهی از اهمیت موضوع * حساسیت به مسائل اجتماعی * توجه با دقت به مسائل و فعالیتهای کلاسی	مشاهده کردن، اشاره کردن، پرسیدن توصیف کردن، با دقت گوش دادن، ملاقات کردن و ...
۲	پاسخ دهی	عکس العمل به موضوع و شرکت فعال دانش آموز در بحث	* داوطلب شدن در فعالیتهای * لذت بردن از انجام کار * شرکت فعال در بحث های کلاسی * رعایت قوانین	حمایت کردن، کمک کردن، با فشاری کردن، داوطلب شدن، موافقت کردن تمرین کردن، پاسخ دادن و ...
۳	ارزشگذاری	ارزش قائل شدن برای موضوع خاص	* ارج نهادن به چیزی * علاقه به زندگی و رفاه دیگران	پیشنهاد دادن، امتیاز دادن، ستایش کردن، دعوت کردن، تقدیر کردن و ...
۴	سازماندهی ارزش ها	جمع کردن ارزش های مختلف و اقدام برای ساخت یک نظام ارزشی	* تهیه برنامه برای زندگی خود	مقایسه کردن، برنامه ریزی کردن تحت تاثیر قرار دادن، تغییر دادن تعدیل کردن، سازمان دادن و ...
۵	تبلور ارزش ها در شفافیت	تشخیص ارزش ها در رفتار و شیوه زندگی بر اساس ارزش ها	* داشتن انضباط شخصی * همکاری در کارهای گروهی	مشارکت کردن، قضاوت کردن، تایید کردن، انتقاد کردن، خدمت کردن و ...

هدف های آموزشی در میطه روانی- حرکتی

اهداف آموزشی در این حیطة به انجام فعالیت هایی که نیازمند فعالیت بدنی و روانی هستند توجه دارد . وقتی نگران هستیم که یکی از دانش آموزان نمی تواند کلرسنجی آب آشامیدنی یا اندازه گیری قد و وزن را انجام دهد ، نگرانی ما در رابطه با مشکل دانش آموز در حیطة روانی - حرکتی است . مهارت و انجام یک فعالیت در این حیطة ، مستلزم شناخت و عاطفه نسبت به آن است . این حیطة پنج سطح دارد و صرف رسیدن به یک سطح ، به معنای کسب مهارت و تسلط کافی در انجام فعالیت روانی - حرکتی نیست و این امر ، نیازمند گذر از پنج سطح حیطة روانی - حرکتی می باشد .



سطوح یادگیری در میطه روانی- حرکتی : پنج سطح اهداف حیطة روانی - حرکتی از ساده به دشوار تنظیم شده اند و هر سطح مقدمات رسیدن به سطوح بالاتر را فراهم می کند .

مثال :

تزریق آمپول ، انجام پانسمان زخم سوختگی ، استفاده از یک وسیله پیشگیری از بارداری ، وانمود سازی ، حل کردن پودر ORS، ساختن توالی بهداشتی و ...

🔗 سطح مشاهده Observation

در این سطح فراگیر رفتار مربی را زیر نظر می گیرد و ترتیب و توالی اعمال ، رابطه موجود میان آنها و سرانجام نتیجه نهایی رفتار را به دقت مشاهده می کند . اهداف آموزشی در این سطح به آگاهی های لازم و پیش نیاز های ضروری برای انجام مستقل توسط فراگیر توجه دارد . مثلاً برای این که فراگیر بتواند فشارخون را اندازه گیری نماید ، پیش نیاز هایی همچون آگاهی از مکانیسم فشارخون و ابزارهای لازم (حیطة شناختی) و علاقه و تمایل به کنترل فشارخون (حیطة عاطفی) ضروری است . در این مورد فراگیر با مشاهده اندازه گیری فشارخون توسط مربی ، با روش استاندارد کار آشنا می شود . هنگام تقلید فراگیر ، زمان و نتیجه نهایی مورد نظر نیست ، بلکه توجه به توالی و ترتیب اعمال مدنظر است . در این سطح فراگیر قادر به اجرای مستقل عمل نیست .

🔗 سطح اجرای مستقل Independent performance

در این سطح سعی می شود از وابستگی فراگیر به مربی کاسته شود و فراگیر بدون کمک مربی اعمال را انجام دهد . مثلاً فراگیر در مدت دو دقیقه قد و وزن همکلاسی خود را اندازه گیری نماید . اهداف اصلی این سطح اجرای آگاهانه دستورالعملها ، انتخاب بهترین روش و تثبیت یادگیری است . نظارت و راهنمایی مربی باید به مرور کاسته شود و اعمال توسط فراگیران تکرار گردد . در این سطح در صورت لزوم مربی باید فراگیر را راهنمایی کند . برای مثال فراگیر با نظارت مربی اقدام به بستن کاف فشارسنج ، قرار دادن گوشی ، پمپ کردن و ... می نماید و مربی عملکرد فراگیر را مشاهده می نماید و در صورت وجود اشتباه به او آموزش می دهد .

🔗 سطح دقت در اجرا Accuracy

در این سطح سرعت ، زمان و دقت مورد توجه قرار می گیرد . فراگیر باید حرکات خود را سریع نموده و اشتباهات خود را کمتر کند و کنترل درونی بیشتری نسبت به رفتار خود داشته باشد .

🔗 سطح هماهنگی اجرا Coordination Of Actions

هدف این سطح از یادگیری ، اجرای هماهنگ مجموعه ای از اعمال با رعایت توالی رفتارها است . در این سطح فراگیر توانایی انجام هماهنگ چندین حرکت را کسب می کند . مثلاً فردی بدون نگاه کردن به صفحه کلید ، تایپ می کند .

🌈 سطح عادی شدن Normality

در این سطح به عنوان بالاترین سطح یادگیری در حیطه روانی - حرکتی فراگیر با تسلط کامل و خودکار اعمال را انجام می دهد و نیازی به فکر کردن درباره ترتیب ، توالی و هماهنگی اعمال ندارد . هنگامی فراگیر را می توان روانه فیلد اجرایی نمود که به این سطح رسیده باشد . برای ارزشیابی این سطح باید به عواملی مانند سرعت ، دقت و صحت در انجام فعالیت توجه کرد .



جدول ۲: خلاصه افعال در سطوح مختلف حیطه روانی - حرکتی و نمونه افعال آن

ردیف	سطوح حیطه روانی - حرکتی	منظور هر سطح	اهداف کلی هر سطح (نتایج یادگیری)	افعال رفتاری (مصدر)
۱	مشاهده	مشاهده مهارت به قصد تقلید از آن	* آموختن ترتیب و توالی فعالیت * آموختن نتایج نهایی فعالیت * آگاهی از ابزار و وسائل مورد نیاز برای انجام مهارت	وزن کردن ، بسته بندی کردن اندازه گیری کردن ، واکسن زدن و ...
۲	اجرای مستقل	انجام فعالیت بدون کمک از مربی	* انجام مهارت به تنهایی * آموختن روش تمرین انجام فعالیت	جوشاندن ، غذا دادن ، مسواک زدن ، کلر سنجی کردن و ...
۳	دقت در اجرا	انجام عمل با دقت و ظرافت کاری	* انجام فعالیت در نهایت توجه و تمرکز * از هر مرحله نتایج خاصی را انتظار دارد .	واکسن زدن ، پختن ، تعویض کردن ، تنظیم کردن و ...
۴	هماهنگی اجرا	آمیختن مهارتها و انجام هماهنگی در انجام آنها	* انجام مهارت با هماهنگی اجزاء مختلف بدن	تایپ کردن ، اندازه گیری فشار خون ، رانندگی کردن ، کلر زنی منبع آب و ...
۵	عادی شدن (تسلط)	بروز نشانه هایی حاکی از تسلط کامل بر انجام مهارت	* پیدایش تسلط در انجام مهارت * عادی شدن انجام مهارت	رانندگی کردن ماهرانه ، اندازه گیری ماهرانه قد و وزن و ...

عملکرد موهوم - عملکرد مطلوب = نیاز آموزشی (نیاز یادگیری)

* عملکرد موهوم : آنچه که بهورز انجام می دهد

* عملکرد مطلوب (استاندارد ها) : آنچه باید باشد

آگاهی از سطوح مختلف یادگیری در سه میانه می تواند در گروه بندی دانش آموزان و تشریفص نیاز های آموزشی هر یک از گروه ها کمک نماید تا اهداف تمامی سطوح برای گروه های قوی تر تکرار نشود .
از طرفی دستیابی به هر سطح مستلزم روش های آموزشی ویژه ای است و سهم و جایگاه میانه های سه گانه در همه موضوعات یکسان نیست و به تناسب ماهیت موضوع یادگیری ، یکی از سه میانه ها محور قرار می گیرد و میانه های دیگر در خدمت آن قرار می گیرند .

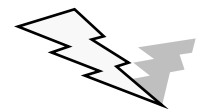


کتاب ۱ : روانشناسی یادگیری و آموزش



فصل ۴

نظریه انگیزش یادگیری



پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

۱. درباره مفهوم انگیزش توضیح دهید .
۲. نقش و اهمیت انگیزش در یادگیری را به اختصار توضیح دهید .
۳. منظور از این عبارت را تفسیر نمایید : " انگیزش هم هدف است و هم وسیله "
۴. فنون مختلف ایجاد انگیزش در یادگیرندگان را با ذکر مثال بیان نمایید .

مفهوم انگیزش Motivation

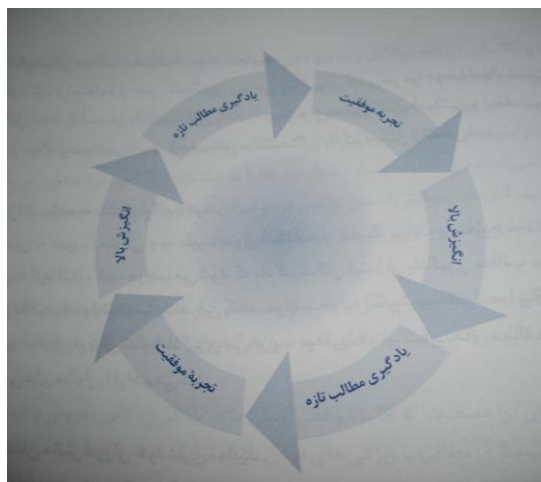
انگیزش نیروی محرک فعالیتهای انسان و عامل جهت دهنده رفتار محسوب می شود. **انگیزش به حالتی درونی ارگانیسم اطلاق می شود که موجب هدایت رفتار او به سوی نوعی هدف می شود** رفتار انسان مستلزم داشتن انگیزش است. **تمامی فعالیتهای میانه عاطفی دارای هدف انگیزشی هستند و منظور از آنها تأثیر بر انگیزش یادگیرندگان است** پژوهش ها نشان داده اند که افراد دارای انگیزه بالا در انجام کارها نسبت به افرادی که انگیزه پایین تری دارند، موفقیت بیشتری کسب می نمایند.

این موضوع می تواند توجیهی برای وجود تفاوت درمیزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان باشد. با این تفاسیر ما می خواهیم رفتار انسانها را تا حدودی از طریق عوامل موثر بر افزایش یا کاهش انگیزه پیش بینی کنیم.

بر اساس برخی یافته های پژوهشی انگیزش هم علت یادگیری و هم معلول یادگیری محسوب می شود. به قول دیوید آژوبل: لازم نیست که منتظر ایجاد علاقه به یادگیری باشید آنگاه آموزش را شروع کنید بلکه بهترین راه ایجاد انگیزه در یادگیرندگان، نادیده گرفتن موقتی عدم وجود انگیزه و شروع آموزش موثر است. این یادگیری اولیه منجر به ایجاد علاقه خواهد شد.

فنون ایجاد انگیزه در یادگیرندگان:

با ایجاد انگیزه و بهبود شرایط یادگیری، یادگیرندگان به موفقیت بیشتری در یادگیری می رسند و تجربه کسب موفقیت، انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می دهد.



* بیان دقیق اهداف آموزشی در آغاز درس :

بر اساس پژوهش ها یادگیرندگانی که از هدف های آموزشی مطلع نمی شوند به خوبی یادگیرندگانی که از آغاز آموزش، در جریان عملکرد نهایی آموزش قرار می گیرند در پیشرفت تحصیلی موفق نمی شوند.

* استفاده از تشویق های کلامی :

استفاده از تقویت کننده های کلامی می تواند در ارتباط بین آموزش گیرنده و آموزش دهنده و ایجاد انگیزش در فعالیتهای یادگیری نقش بسیار ارزنده ای دارد. در این صورت رفتار به عملکرد تبدیل شده و به کسب عادات مفید در آموزش منجر خواهد شد.

* ارزشیابی به عنوان وسیله ای برای ایجاد انگیزش

ارزشیابی می تواند به عنوان عامل ایجاد انگیزش استفاده نمود مشروط بر آنکه بازخورد به یادگیرندگان در رابطه با نحوه عملکرد و میزان یادگیریشان داده شود و با تکرار مکرر ارزشیابیها، یادگیرنده را به سوی رفتارهای مورد انتظار هدایت نمود.

* استفاده از خاصیت برانگیختگی مطالب مختلف :

یادگیری مطالب تازه و استفاده از حس کنجکاوی می تواند به خودی خود عامل ایجاد انگیزه در یادگیرندگان باشد. استفاده از وسایل کمک آموزشی و ایجاد تنوع در شیوه ارائه مطالب مختلف از جمله توصیه هایی است که به منظور برانگیختگی یادگیرندگان ارائه می شود.

* ارائه مطالب آموزشی از ساده به دشوار :

ارائه مطالب درسی به صورت متوالی و به طور معمول استفاده از سلسه مراتب یا سطوح مختلف یادگیری موجب می شود که یادگیرندگان ابتدا در یادگیری مطالب ساده موفقیت کسب نمایند. کسب موفقیت اولیه انگیزش یادگیرنده را برای یادگیری بیشتر و تداوم آن می افزاید. موفقیت در ارزشیابی های مطالب ساده تر زمینه کسب موفقیت در ارزشیابی های دشوار را فراهم می کند.

* **فودداری از ایجاد رقابت در بین دانش آموزان به ویژه در بزرگسالان**

عدم رعایت این امر منجر به کسب موفقیت در معدودی از یادگیرندگان خواهد شد و به کاهش انگیزش اکثریت دانش آموزان می انجامد. بنابراین به جای طرح یک سؤال برای همه یادگیرندگان که معمولاً یادگیرندگان مستعد و با انگیزه بالا به آن پاسخ می دهند با مشخص کردن پاسخ دهنده، فرصت مشارکت به یک یک فراگیران داده شود و با راهنمایی و هدایت یادگیرنده به سوی پاسخ صحیح، امکان تأیید و تقویت همه آنها را فراهم نمود.

* **استفاده از روش های متنوع در آموزش به جای تکیه صرف بر کلام :**

بحث گروهی، بازی های آموزشی، گزارش انفرادی و گروهی و ... به مقدار زیادی انگیزه یادگیرندگان را بالا می برد. رعایت این امر ضمن طراوت و تازگی ارائه مطالب، به مشارکت بیشتر یادگیرندگان و به تبع آن انگیزش بیشتر به یادگیری مطالب می افزاید.

* **بیان مثال های آشنا و ملموس در هنگام آموزش مطالب تازه و استفاده از موقعیت های تازه هنگام کاربرد مطالب آموخته شده :**

بیان مثال های آشنا در آموزش مطالب تازه باعث سرعت یادگیری و افزایش علاقمندی و انگیزش می شود. خلق موقعیت های تازه و بدیع در هنگام کاربرد مطالب منجر به ایجاد علاقه در یادگیرنده در زمینه کاربرد آموخته ها و کاهش یکنواختی ارائه آموزش می گردد.

* **کاهش پیامد های منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیتهای آموزشی :**

اگر مشارکت فراگیران در امر یادگیری با تأیید و تشویق همراه شود، می تواند عامل ایجاد انگیزش برای تداوم یادگیری باشد. راه دیگری برای تحقق ایجاد انگیزش کاستن از پیامد های منفی مشارکت و عواملی است که ممکن است در جریان یادگیری باعث دلزدگی آنان شود. از جمله آنها می توان به از دست دادن اعتماد به نفس در نتیجه عدم توفیق در انجام فعالیتهای یادگیری، احساس عدم توانایی و احساس عدم شایستگی اشاره کرد که می توان آنها را با ایجاد اعتماد به نفس، توانمند سازی و ترغیب به تلاش بیشتر در راه رسیدن به موفقیت رهنمون ساخت.

* **ارائه تمرین ها و تکالیف در مد توانایی فراگیران و در محدوده مطالب آموخته شده (نه خیلی سفت و نه خیلی دشوار) :**

تکالیف بسیار آسان باعث ایجاد حس اعتماد به نفس نمی شود و تکالیف بسیار دشوار نیز غالباً به شکست و ناکامی فرد منتهی می شود. بنابراین سطح تمرینها باید منطبق با سطح توانایی فرد و میزان دستیابی او به اهداف سطوح مختلف یادگیری باشد، به گونه ای که او با کوششی که می نماید از عهده انجام آن برآید.

* **تا مد امکان مطالب درسی را به صورت معنی دار و در ارتباط با موقعیت های واقعی شغلی ارائه داده و در انجام فعالیتهای آموزشی به فراگیر آزادی عمل بدهید:**

روانشناسان انسانگرا معتقدند که انگیزه واقعی انسان ها در یادگیری، انگیزه درونی و خود جوش خاص آنهاست. بنابراین در متناسب سازی مطالب با ویژگیهای فردی تلاش نمایید. ابتدا افراد را در انتخاب شیوه یادگیری آزاد بگذارید و سپس با توجه دادن به سایر روشها آنان را به استفاده از سایر روش ها ترغیب نمایید. بنابراین طی یک فرایند تدریجی آنان خواهند آموخت که انتظارات شما را پاسخگو باشند.

* **توجه فراگیران را به موقعیتهای بعد از یادگیری و یادگیریهای بعدی جلب نمائید :**

مثلاً به فراگیران بگویید که آموخته های آنان در خانه بهداشت، منزل، مدرسه و ... کاربرد دارد. به این موقعیت ها " موقعیت رجعی " می گویند.

انگیزش هم هدف است و هم وسیله، به عنوان هدف در بردارنده اهداف میطه عاطفی است و به عنوان وسیله، انگیزش یک پیش نیاز یادگیری

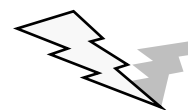
ممنسوب می شود و بدون آن آموزش مطالب جدید با دشواریهایی مواجه خواهد بود.

کتاب ۱ : روانشناسی یادگیری و آموزش



فصل ۵

نظریه یادگیری در حد تسلط



پس از مطالعه این فصل انتظار می رود بتوانید :

- ۱ - نکات مهم تشکیل دهنده نظریه یادگیری در حد تسلط را بیان نمایید .
- ۲ - درباره مدل یادگیری کارول به اختصار توضیح داده و رابطه میزان یادگیری در زمان یادگیری را تفسیر کنید .
- ۳ - تفاوت اصلی الگوی سنتی یادگیری و الگوی یادگیری در حد تسلط را تفسیر کنید .
- ۴ - سه متغیر مهم و موثر در یادگیری را ذکر کنید .
- ۵ - مراحل روش آموزش برای یادگیری در حد تسلط را توضیح دهید .
- ۶ - کاربرد جدول هدف / محتوا را شرح دهید و برای یک موضوع درسی جدول مشخصات هدف / محتوا تهیه نمایید .
- ۷ - یک واحد درسی را با استفاده از مراحل آموزش در حد تسلط تهیه نموده و مطابق توصیه های این نظریه آن را اجرا و پس از اجرا آن را اصلاح نمایید .

نظریه یادگیری در حد تسلط :

این نظریه توسط بنیامین بلوم از مدل یادگیری آموزشگاهی جان کارول اقتباس شده است. برطبق مدل کارول ، یادگیری پدیده ای مبتنی بر زمان است . یعنی هر چه زمان یادگیری بیشتر باشد ، مقدار یادگیری نیز بیشتر خواهد بود . تفاوت اصلی آن با الگو های سنتی یادگیری در آن است که در این الگو تفاوت در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را نتیجه الزامی تفاوت در استعداد های آنان نمی پذیرد . بر اساس این مدل ، میزان یادگیری تابعی از نسبت زمان صرف شده برای یادگیری به زمان مورد نیاز برای یادگیری است :

$$(\text{زمان صرف شده برای یادگیری}) = F (\text{میزان یادگیری})$$

زمان مورد نیاز برای یادگیری

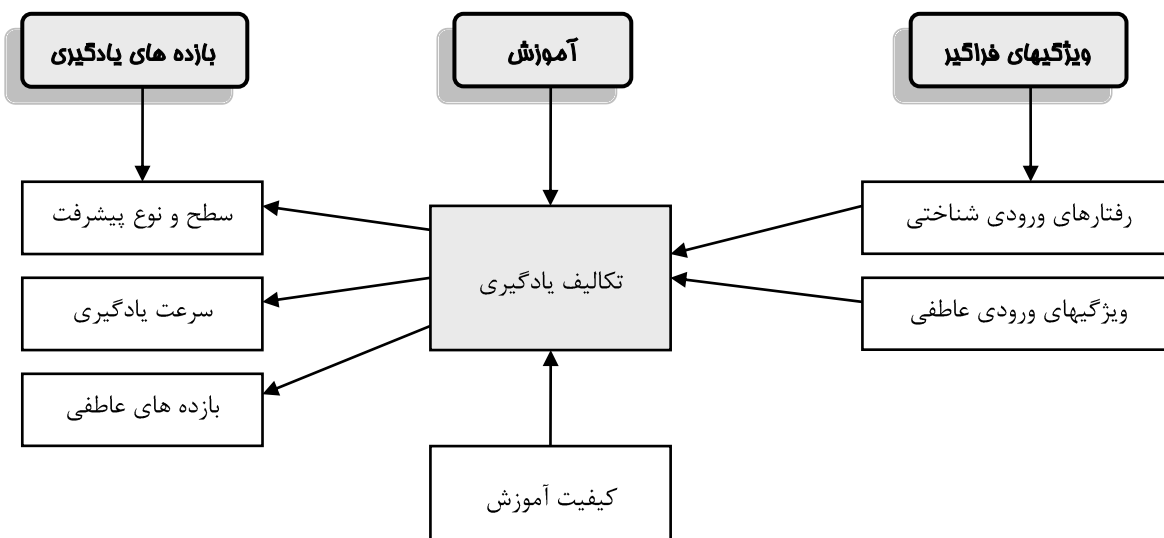
به عبارت دیگر هر قدر زمان صرف شده برای یادگیری (صورت کسر) نسبت به زمان مورد نیاز بیشتر باشد ، میزان یادگیری بیشتر خواهد بود . بنابراین اگر به یادگیرندگان فرصت یادگیری مورد نیاز داده شود و کیفیت آموزش نیز متناسب با نیاز های فردی آنها باشند مدهه درصد آنها در یادگیری مطالب به حد تسلط خواهند رسید .

بر اساس این نظریه متغیرهای دیگری غیر از هوش در یادگیری تاثیر دارند . متغیر های وابسته به هم که در صورت توجه به آنها می توانیم مراکز آموزش بهورزی را به سمت یک نظام آموزشی عاری از اشتباه پیش ببریم عبارتند از :

الف (میزان تسلط دانش آموز بر پیش نیازهای مرتبط به یادگیری مورد نظر

ب (میزان انگیزشی که دانش آموز برای یادگیری دارد و یا می تواند داشته باشد.

ج (میزان تناسب روش آموزشی با شرایط و ویژگیهای دانش آموز



نمودار اجزاء مهم رویکرد یادگیری در حد تسلط

بر اساس این نمودار فراگیر در برخورد با تکالیف یادگیری دارای دو دسته ویژگی ورودی شناختی و عاطفی است . اصطلاح رفتار های ورودی شناختی به یادگیری های پیشین دانش آموز که برای یادگیری تازه ضرورت دارند اطلاق می شود . این رفتارها پیش نیاز یادگیری هستند . هر فراگیری برای یادگیری تکالیف جدید دارای یک دسته ویژگی های ورودی عاطفی یا انگیزش می باشد .

مهمترین متغیر آموزشی ، کیفیت آموزش است و منظور از آن متناسب سازی فعالیت های آموزشی با دو ویژگی یاد شده می باشد . با توجه به این عوامل تاثیرگذار بر آموزش و ارائه فرصت و زمان مورد نیاز یادگیری میتوان با ایجاد تغییر در رفتارهای ورودی شناختی و ویژگی های ورودی عاطفی و کیفیت آموزش به بازده های یادگیری در حد تسلط در مطلوبترین مدت ارائه آموزش دست یافت .

مراحل آموزش برای یادگیری در حد تسلط :

مرحله اول : تعیین هدف های آموزشی و رفتار های ورودی

طریقه مناسب برای انجام این مرحله استفاده از جدول مشخصات اهداف و محتوای آموزشی است . این جدول در کتاب نظارت و ارزشیابی توضیح داده خواهد شد .

در مرحله اول آموزش برای یادگیری در حد تسلط ، پس از تعیین اهداف و محتوای مربوط به آن در هر یک از موضوعات لازم است پیش نیاز های مرتبط با موضوع در قالب اهداف ورودی تعیین شوند .

ردیف	ممتوا سطوح هدف / هدف	مطالب فصل اول کتاب مباحث مقدماتی سازمان عملی بدن انسان	فصل سوم کتاب مباحث مقدماتی دستگاه گوارش	بخش دوم کتاب مباحث مقدماتی فصلهای اول و دوم	زمان مورد نیاز برای یادگیری
1	دانش / دانش آموز منظور از بافت ، اندام و عضو را تعریف کند .	مجموعه سلول هایی که ساختمان و کار یکسان دارند بافت نامیده می شود و اندام عبارت است از عضو	بخش های مختلف دستگاه گوارش و وظیفه آنها (صفحات 16-24)		2 زمان 10 دقیقه ای
2	فهم و درک / دانش آموز نقش هر عضو دستگاه گوارش را توضیح دهد .		دهان و دندان مری معه روده		5 زمان 15 دقیقه ای
2	کاربرد / دانش آموز توصیه های لازم برای تغذیه مناسب را ارائه نماید .				3 زمان 10 دقیقه ای

مرحله دوم : تعیین حد تسلط

منظور از تسلط در این نظریه سطح قابل قبولی از عملکرد حاکی از توفیق در یادگیری است . تسلط پیش شرط کفایت و مهارت است . برای تعیین حد تسلط معمولاً از ارزشیابی مداوم یادگیرنده برای کمک به رفع نواقص یادگیری استفاده می شود . تعیین حد تسلط به یاددهنده و یادگیرنده در میزان دستیابی به نتایج نهایی یادگیری کمک می کند . مثال : دانش آموز بتواند با استفاده از فشارسنج ، فشار خون بیمار را با میزان حداکثر اشتباه ۱ میلی متر جیوه اندازه گیری نماید .

مرحله سوم : تعیین واهد های آموزشی- یادگیری

در این مرحله محتوای درس به یک سلسله واحد آموزشی - یادگیری تقسیم می شود . تسلط یافتن دانش آموز بر این رشته تکالیف منجر به تسلط یابی او به کل هدف های آموزشی خواهد بود .

مرحله چهارم : اجرای آموزش گروهی

در این مرحله به صورت گروهی ، واحد به واحد مطالب درسی در قالب یک طرح آموزشی ارائه می شوند . طرح آموزش گروهی برای یادگیری در حد تسلط باید به گونه ای تهیه شود که مربی در اجرای آن از طریق فعالیت های آموزشی :

- ۱ - توجه دانش آموزان را به خود جلب نماید .
 - ۲ - اطلاعات لازم را درباره آنچه که دانش آموزان باید بیاموزند و چگونگی یادگیری آن را در اختیار آنها قرار بدهد .
 - ۳ - جهت ایجاد مشارکت فعال در فراگیران ، در صورت لزوم آنها را تشویق نماید .
- ضمناً باید کلیه فعالیت هایی را که یادگیرندگان باید در فرایند آموزش برای دستیابی به اهداف آموزشی انجام دهند را در ابتدای ارائه آموزش مشخص نمود .

مرحله پنجم : اجرای ارزشیابی ضمن آموزش و ارائه آموزش اصلاحی

کلید توفیق روش یادگیری در حد تسلط ، ارائه بازخورد حاصل از ارزشیابی به دانش آموزان و ایجاد فرصت برای رفع اشتباهات در یادگیری است .

مرحله ششم : ارزشیابی نهایی

این ارزشیابی به منزله تعیین میزان دستیابی یادگیرندگان به رفتارهای مورد نظر حاصل از انجام فرایند آموزش در حد تسلط است . مهمترین نتیجه این مرحله ، فراهم آوردن مقدمات اصلاح طرح آموزشی و اجرای هر یک از مراحل آموزش است .

مرحله هفتم : تمدید نظر در طرح آموزشی

نتایج ارزشیابی نهایی در تایید طرح و یا مواردی که نیازمند به اصلاح هستند ، کمک بسیار ارزنده ای می نماید . با توفیق یادگیرندگان در رسیدن به حد تسلط می توان طرح را تایید و در صورت عدم آن به اصلاح طرح اقدام نمود . به این ترتیب طرح آموزشی مسیری در راستای موفقیت هر چه بیشتر در فرایند یاددهی - یادگیری را طی خواهد کرد .